



قیمت اشتراک سالیانه در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
پنج فرانک

کافه

۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود
عنوان مراسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

* * یکشنبه ۸ آذر ماه ۱۲۸۶ یزدگردی = ۲۲ جمادی الآخرة ۱۳۳۵ هجری * * 15. April 1917 . Nr. 20 . Jahrg. 2 . *

خواهد گرفت زیرا بین دولت بیچاره هر هفته بلکه هر روز یک اتمام حجت هولناکی از دول اتفاق میرسد. ولی شاید اتمام حجتها که بایران از طرف روس و انگلیس داده شده و تقاضاهای توهین آمیز که تهدید خفه کردن آن دولت شده است نه در عدد و نه در شدت کمتر از مال یونان نباشد در صورتیکه در نتیجه سیاسی هزاران مرتبه بدتر از آن است. گذشته از اتمام حجت سرتیپ سنارسکی^(۱) فرمانده اردوی سفری روس در بیله سوار (در سرحد مغان) در اواخر ربیع الثانی ۱۳۲۶ بمهلت ۱۵ روزه^(۲) برای تنیه شاهسونها، و اتمام حجت انگلیس در ۱۱ شوال ۱۳۲۸ بمهلت سه ماهه راجع بنظم راههای جنوب ایران و تهدید تشکیل یک قشون ایرانی در زیر حکم صاحب منصبان انگلیسی، اتمام حجتهای هولناک تاریخی روس در ذی الحجه ۱۳۲۹ راجع باخراج مستر شوستر امریکائی و سلب حقوق استخدام خارجه از دولت ایران جاودان در خاطر هر ایرانی خواهد ماند و شاید آن ایام روی هم رفته بدترین

(۱) Znarsky (۲) این اتمام حجت بمهلت ۱۰ روزه بود و بواسطه بتلای فوق العاده دولت ایران و خواهش شخصی محمد علی شاه از امپراطور روس به ۱۵ روز تمدید شد.

باز اتمام حجت

در این موقع که وقایع عمده در دنیا از قبیل انقلاب عظیم روسیه و اوضاع مناسبات امریکا و آلمان از یک طرف و اتفاقات بسیار مهم جنگی هم مستقیماً راجع بصف جنگی ایران مانند تخلیه خاک ایران از طرف قوای عثمانی و ایرانی و افتادن بغداد و تصرف موقتی آن دارالسلام از طرف انگلیسها که نتایج محتمله آن برای ایران معلوم است از طرف دیگر در جریان است ما میخواهیم نظری باوضع حکومت مرکزی ایران در طهران و اشکالاتی که در آن دست و پا میزنند بیندازیم:

ایران و یونان این دو ملت قدیم دنیا که امروزه هر دو زبون و زجرکش یک دسته معنی از دول ظالمه شده اند مشابهت غربی نیز در این باب دارند که هر دو هدف اتمام حجتهای گوناگون و بی دردی واقع شده اند. در این اواخر یک روزنامه ترکی بطور مزاح نوشته بود که «اگر دولی را که بآنها اتمام حجت زیاد از طرف دول دیگر داده شده بشمارند و فهرستی از آنها ترتیب دهند یونان اولین سطر آن جدول را

اعلیحضرت شاه جواب موافقی شخصاً بدو سفارت نوشته بود. همین فقره اسباب تغییر خاطر ملوکانه گردیده و تصادف آن با دخول عثمانیها بهمدان موجب عزل سپهسالار و نصب میرزا حسنخان و توق التوله بجای وی گردید.

سفارتین روس و انگلیس فرصت را فوت نکرده و فوراً مراسله شخصی سپهسالار را دست آویز قرار داده شروع بعملیات نمودند. سفارت انگلیس در ۷ شوال ۱۳۳۴ بدولت ایران نوشت که بموجب یادداشت و شوال و جواب موافق دولت ایران دولت انگلیس جنرال سیر پرسی سایکس^(۱) را بسمت ریاست قوایی که برای حفظ انتظام جنوب ایران تشکیل میناید انتخاب کرده است. و خواهش کرد که بمأمورین محلی ولایات جنوبی تعلیمات داده شود که بمشار الیه مساعدت نمایند. هیئت وزرای جدید که سرکار آمده بودند هر چه سعی کردند که بسفارتین بفرمانند که این جواب شخصی سپهسالار بدون اطلاع شاه و هیئت وزرا و بدون تصویب مجلس ملی حکمی ندارد و هنوز پیشنهاد مالی و نظامی دولتی مقبول نشده و نمی توان بموقع اجرا گذاشت آنها اعتنائی باین اظهارات حقّه نکرده و درصدد اجرا و پیش بردن منظورات خود و مضمون یادداشت و شوال ۱۳۳۴ درآمدند. تا در نتیجه کشمکشهای زیاد و طولانی که میان دولت ایران و حضرات شد بالأخره مقاومت دولت ایران منجر باین اتمام حجت دولتی مورّخه ۱۸ ربیع الثانی که در صدرمقاله اشاره بدان شد گردید.

معلوم نیست که دولت ایران در مقابل این اتمام حجت آن دو دولت ظالم که پایتخت ایران را در زیر قهر و تهدید دائمی خود نگاه داشته اند چه رویّه اختیار کرده یعنی هنوز خبری در این باب بما نرسیده است. لکن احتمال قوی می رود که در این مورد نیز بهمان رویّه ممهود چاره بیچارگان راه تسلیم را پیش گرفته باشند.

این تکلیف شاقّه در صورتی که اجرا شوند تقریباً بقیه استقلال ایراترا نیز بکلی یا عمال کرده و آخرین شکنجه زجرکنشی برای این مملکت بدبخت و ستمدیده خواهد گشت. زیرا برای یک مملکت مستقلی هیچ چیز بالاتر از مالیه و قشون نیست و صدمه که بمقوق آن در این دو فقره برسد ضربتی است که بقلب بخورد و کار مجروح را تمام کند.

آیا ندای حریت و غوغای حقوق ملل که در ساحل نوا بلند شده تأثیری در تخفیف این ظلمها و جلادیهها که دربار نیکلای دوم مخلوع در ایران مرتکب بودند خواهد داد. یا این حریت پرستی پر شور جدید هم بهتر از ادعای انسانیت پرستی که در «مهد حریت» قدیم و کنار رود تایمس بود ثمر نخواهد آورد. هر که ماند بیند.

پس از نگارش - اطلاع اخیری که از ترضیقات دو دولت در دربار ایران در باره این مسئله قرار داد بمارسیده آنست که دو سفارت در ۲۷ ربیع الأول امسال (۱۳۳۵) یادداشت سختی بدولت ایران فرستاده و پس از شکایت در باب عدم انجام مسئله هیئت مختلط مالی و اختیارات

روزهای ایران در تاریخ اخیر بوده است. بعد از آن بخاطر میآوریم یادداشت دیگر دولتی روس و انگلیس را بشکل اتمام حجت در ۲۹ صفر ۱۳۳۰ راجع بمجبور کردن دولت ایران بشناختن رسمی قرار نامه ۱۳۲۵ مابین روس و انگلیس در باب ایران و سلب حق تشکیل قشون از دولت ایران و غیره.

اینک اخیراً از تلگرافات واصله مجراید فرنگستان معلوم میشود که باز یک اتمام حجت تازه برای سلب آخرین حقوق استقلالی ایران از طرف دو جلاد این مملکت بدولت بیچاره ایران در ۱۸ ربیع الثانی امسال (۱۳۳۵) داده شده است بمهلت دو روزه راجع بتقاضای اجرای مواد یادداشت دولتی مزبور مورّخه ۴ شوال ۱۳۳۴ در باره امور قشونی و مالی ایران.

شرح این واقعه بطور اجمال چنان است که در ۴ شوال ۱۳۳۴ سفارتهای روس و انگلیس در طهران یادداشتی بدولت ایران فرستادند. یادداشت مزبور که در عداد اسناد مهمه تاریخی ایران خواهد ماند و بشخص صدر اعظم ایران ولیخان سپهسالار اعظم تنکابنی داده شده بود بدولت ایران تقریباً تکلیف میکرد که امور مالی و نظامی مملکت ایران در زیر نظارت آن دو دولت گذاشته شود.

این یادداشت از دولت ایران تقاضا میکرد که تشکیل یک قشون ایرانی را در ولایات جنوبی بمده یازده هزار نفر یا صاحب منصبان انگلیسی بپذیرد و عده فوج قزاق ایرانی در ولایات شمالی نیز بهمان اندازه تربید شود. هر دو دولت تکلیف میکردند که عده کافی از صاحب منصبان جزء و اطبای نظامی و غیره برای تشکیل و تعلیم این دو قوه نظامی بدولت ایران (!) بدهند و بعلاوه محض دوستی صمیمی که با ایران دارند مخارج تشکیل و تجهیز و نگهداری این قوی را نیز اقلّاً تا آخر جنگ فرنگستان بعهده بگیرند. علاوه بر اینها یادداشت مزبور متضمن تکلیفی راجع بنظارت مالیه بود باین ترتیب که بیک هیئت مختلط مالیه که از ۱۱ رجب ۱۳۳۴ (۲۴ برج ثور لوی ژیل) تا اندازه مشغول مراقبه در امور مالیه بودند اختیارات خیلی کامل داده شود و بر اقتدار آن فوق العاده افزوده گردد و در انتخاب اشخاص این هیئت مختلط و تعیین قطعی آنها هم برای سفارتین عمل شود. سفارتین برای آنکه درست اختیارات مطلوبه در مالیه را تعیین و تحدید کنند یک صورت لایحه حکمی^(۱) مشتمل بر سه ماده نیز در باب این اختیارات بیاد داشت مزبور ضمیمه کرده بودند که بموجب آن لایحه هیئت مختلط مزبور تقریباً در تمام امور مالیه ایران چه از حیث عایدات و چه مصارف وجه تصویب آنها حاکم مطلق میشد. این هیئت که بعدها بنا بر تشریفات جراید از اعضای روسی و انگلیسی و بلژیکی و ایرانی مرکب شده اینک زمام مالیه ایران را در کار است که بدست خود بگیرد.

سپهسالار دو روز بعد از وصول این یادداشت باو بعنوان «حالت اجباری»^(۲) بدون مشاوره با اعضای کابینه و بدون اطلاع

Décret (۱)

Force majeure (۲)

آن دولت ایران را تهدید کرده‌اند اینکه اگر تا ۸ ربیع الثانی امسال دولت ایران مسئله را تلافی نکرده و در اهمال خود مداومت نماید دو دولت مزبور از ادای وجه اقساط مهلت (موراتوریوم) که ماهی مرتباً دو بیست هزار تومان بدولت ایران می‌پرداختند امساک خواهند کرد. و اگر باز بعد از آن مدت اهمال کنند آنوقت دولتهای مزبور اقدامات دیگر خواهند کرد.

اگر مسئله اتمام حجت ۱۸ ربیع الثانی که جراید فرنگ نگاشته‌اند صحیح باشد یعنی مقصود غیر از این یاد داشت اتمام حجت مانند باشد در این صورت معلوم میشود که بعد از ۸ ربیع الثانی دولتهای مزبور طریق اقدامات دیگر را در این اتمام حجت دیده‌اند.

ششمین قرض داخلی دولت آلمان

درواز ۲۵ جمادی الآخرة ۱۳۳۵ روزنامه‌های عصر برلین نتیجه قرض ششم آلمان را نشر کردند که بالغ به ۱۲۷۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مارک بوده و بیول ایران در صورتیکه مارک را از قرار دو قران و نیم که دست کم نرخ پیش از جنگ مارک در ایران است حساب کنیم معادل میشود با ۳،۱۹۲،۵۰۰،۰۰۰ تومان. با اهمیت فوق العاده که مسئله پول در این جنگ پیدا نموده اینگونه کامیابها را نیز باید جزو فتوحات لشکری بزرگ شمرد. چه هر کدام از پیشرفتهای متحدین چه اقتصادی باشد چه نظامی چه در پشت سنگر باشد یا در زیر امواج حکم فشار تازه دارد که بر طنابی که باید روس و انگلیس را خفه نماید وارد آید.

کشمکش و تلاش کنونی روسیه بین بقا و فنا و حفظ و غلای که با بر گوی آن ملت گذشته سر نوشت این ملک را تاریک و پریشان داشته و محال از این رهگذر میتوان چند روزی فارغ البال بود. ولی انگلیس با وجود آنکه با مشکلات بسیار مهم دست بگریبان است هنوز از پا در نیامده و متحدین هم که بخوبی میدانند مسئولیت این جنگ هولناک عالمگیر و خونخیزی که در آن ریخته میشود مخصوصاً بگردن اوست مصمم شده اند که با تمام توانائی خود بدفع و رفع او بکوشند. و رقهائی که برای دعوت مردم در همراهی با این قرض ششم در آلمان منتشر گردید این مسئله را بخوبی مینمایاند. در یکی از این اوراق نوشته شده است: «ما باید انگلیس را در هم بشکنیم! نه تنها با سلاح بلکه با پول هم. ما باید اول انگلیس فرومایه را که آتش افروز حقیقی این جنگ است و سر دسته دشمنان ماست مجبور بصلح کنیم! دشمنان ما که با شمشیر نمیتوانند برضد ما کاری از پیش ببرند تصور میکنند بتوانند مارا از راه اقتصاد شکست بدهند ولی تو ای ملت

آلمان نقشه آنها را باید باطل نمائی و بآنها نشان دهی که امانتی را که وطن پرستی آلمانی و توانائی آلمانی و کاربری آلمانی میتواند بعمل آورد!

والحق ملت آلمان هم در این راه از هیچ فداکاری فرو گذاری ننمود و بنا بسرود ملی آلمان که: «آلمان، آلمان، بالای همه چیز!» وطن خود را بالاتر و بالاتر از همه چیز دانسته و در راه آن از مال و جان و تحمل سختیها مضایقه نکرد. کسی که باحوال ملت آلمان آشنا شد نمیتواند بزرگی و بزرگواری آنرا ستایش ننماید. ملتی که در ابتدای جنگ با وجود قشون بزرگ حاضر خود و خدمت اجباری عمومی باز در مدت کم دو میلیون داو طلب بمیدانهای جنگ فرستاد، ملتی که از آغاز جنگ تا امروز قریب ۶۰ میلیارد مارک (سی هزار کرور تومان) بدولت خود قرض داده، ملتی که هزارها میلیون در راه وطن و انسانیت بمریضخانهها و یتیمها و بیوه زنان داده و هر روز میدهد، ملتی که هنوز بانکها و ادارات تجارتش مزد کارگران خود را که در زیر بیرق سفید و سیاه و سرخ جان میدهند منظمأ میپردازد این چنین ملتی را نمیتوان از روی گفتههای هزل آمیز دشمنان آن شناخت. ملت آلمان را باید از روی مظاهر فلسفی چون لایبنیتز^(۱) و کانت^(۲)، ادبی چون گوته^(۳) و شیلر^(۴) و هردر^(۵)، موسیقی چون باخ^(۶) و بتهوین^(۷) و واگنر^(۸) و متزار^(۹)، شعری چون اولند^(۱۰) و زان پاول^(۱۱) و لاناو^(۱۲)، صنعتی چون دورر^(۱۳) و هلبان^(۱۴) و کربنوس^(۱۵) و منتزل^(۱۶) و علمی چون هزارها معلمین درجه اول شناخت که دنیائی را متوجه خود ساخته اند.

دشمنان آلمان میگویند که سلطنت آلمان نظامی است و ملت آلمان کور کورانه و بدون چون و چرا فرمانبردار پیشوایان خود میباشد. و از اظهارات آنها چنین برمیآید که دلشان بحال ملت آلمان میسوزد و ادعا میکنند که مقصودشان از این جنگ بر هم زدن اساس نظامی آلمان است و آزاد نمودن ملت آلمان. زهی بی انصافی که انسان تصور نماید که ملتی چون ملت آلمان که عده بی سوادهای آن مطابق کلیه احصائیات از تمام ممالک دنیا کمتر است و در صورتیکه انگلیس مطابق احصائیه ۱۳۲۷ در هزار نفر ۱۰ نفر بی سواد و فرانسه ۴۰ نفر داشته آلمان نیم نفر هم نداشته بلکه در ۲۵۰۰ نفر فقط یک نفر بی سواد داشته چطور میشود که قریب ۷۰ میلیون نفر یک چنین ملتی کور کورانه فرمانبردار دولت خود باشند. دشمنان آلمان اسم فداکاری و اتحاد و اطمینان کامل ملت آلمان را پیشوایان خود عبودیت و بندگی میگذارند و نژادهای وحشی سرخ و سیاه و زرد اقلیم مختلفه را برداشته و در مقابل تمدنترین ملل دنیا آورده و میگویند میخواهیم ریشه و حشیرگی را از جا در آوریم! ولی مملکتی مثل مملکت آلمان که سربازش آنتور مردانه جان میدهد و کارخانهایش آنگونه توبهای کوه شکاف از کورههای خود بیرون میدهد و ویران و کودکش با آنها جانشانی

Schiller (۴)	Goethe (۳)	Kant (۲)	Leibniz (۱)
Wagner (۸)	Beethoven (۷)	Bach (۶)	Herder (۵)
Lenau (۱۲)	Jean Paul (۱۱)	Uhland (۱۰)	Mozart (۹)
Menzel (۱۶)	Cornelius (۱۵)	Holbein (۱۴)	Dürer (۱۳)

فولادی در زیر دریاها آب را شکافته و تقریباً تمام نقاط مهم عالم پنجه‌های فولادی خود را انداخته اند در تمام دریاها پراکنده شده و روزی نیست که با تیرهای بلا آور و موشکهای هلاکت بخش خود چندین هزار خروار کشتی را غرق نمایند.

چندی قبل تصور آن میرفت که یک زیر دریائی بتواند بیش از یک مسافت کم معینی از ساحل دور شود لکن امروز می بینیم که زیر دریائهای آلمان یک مسافتی قریب ۱۰۰۰ فرسخ راه پیوده و از ویلهلمس هافن^(۱) حرکت کرده از تنگه جبل طارق عبور نموده و در منتهای شرقی دریای متوسط نزدیک تنگه داردانل کشتیهای جنگی دشمن را بیدار عدم میفرستند. و می‌شنویم که بعد از ظهور جنگ بین ایالات متحده آمریکا (که از طرفی سنگ صلح را بسینه میزند و از طرف دیگر بدون دلیل مشروعی در صدد جنگجویی است) و آلمان کشتیهای زیر دریائی آلمانی در سواحل غربی آن مملکت یعنی نزدیک سان فرانسیسکو دیده شده است. حتی میخوانیم که در سواحل جنوبی افریقا هم زیر دریائی مشاهده گردیده است.

این کشتیهای کوچک جتّه بزرگ عمل امروز عرصه را بر پادشاه دریاها و قوی‌ترین دشمن آلمان یعنی انگلیس سخت تنگ کرده و از هر طرف انگلیس را محاصره نموده واردات او را تهدید کرده و هر روز صدمه تازه باو وارد می‌آورند. و از آنجائیکه انگلستان مملکتی است که در داخل محصولات زراعتی زیاد ندارد و محتاج بانست که بیشتر مایحتاج زندگانی خود را از خارجه وارد نماید طبیعی است که این اقدامات زیر دریائی وحشت فوق العاده در انگلستان تولید میکند.

خسارتی که از ابتدای جنگ تا امروز بکشتی رانی انگلیس وارد آمده است خیلی زیاد است. هیل^(۲) (رئیس یکی از شرکت‌های بزرگ بیمه در انگلستان) در یک مقاله در روزنامه «فریبل»^(۳) شرح میدهد که از ماه شوال ۱۳۳۳ تا صفر ۱۳۳۵ یعنی در ظرف ۲۸ ماه با وجود آنکه دولت آلمان هنوز دست بکار جنگ زیر دریائی از روی جدیت نشده بود ۴۳۵ کشتی انگلیسی که مجموعاً ۲۳۲۰۰۰۰ خروار ظرفیت داشتند بدست آلمانها غرق شده است. از آنجائی که عدّه کلبه جهازات بزرگ تجارتي انگلیس ۳۶۰۰ عدد و مجموع ظرفیت آنها ۸۰۰۰۰۰۰۰ خروار است در این مدت ۲۸ ماه ۱۲ در صد از عدّه کشتیها و ۱۱ در صد از ظرفیت آنها غرق شده است. علاوه بر این در این مدت ۴۰۱ کشتی بیطرف که مجموعاً ۱۶۱۱۰۰۰ خروار ظرفیت داشته‌اند تلف شده است. بنا بر این روی هم رفته کشتیهای زیر دریائی آلمان در مدت ۲۸ ماه ۸۳۶ کشتی با ظرفیت ۶۸۴۳۰۰۰ خروار غرق کرده‌اند.

تلفات دریائی در سال ۱۹۱۶ و اوایل ۱۹۱۷ مسیحی از قراری است که در جدول ذیل بطور تفصیل شرح داده شده است:

خدمات عمومی را بعهده میگیرند و مرد و زنش اینگونه پول و جان و دارائی و فرزند و برادر و هست و نیست خود را در راه وطن خود میدهند جواب دشمنان خود را همان بهتر است که با رفتار بدهد نه با گفتار.

در پایان ما صورتی از مبالغی که ملت آلمان از اوّل جنگ تا کنون در شش بار بدولت خود قرض داده است میدهم که این خود محکمترین برهانی برای راستی اظهارات فوق میباشد.

قرض اوّل در سوّم ذی القعدة ۱۳۳۲	۴'۴۹۱'۸۰۰'۰۰۰	مارک = ۱'۱۲۲'۹۵۰'۰۰۰	تومان
قرض دوّم در ۱۵ جمادی الأولى ۱۳۳۳	۹'۱۰۶'۵۰۰'۰۰۰	= ۲'۲۷۶'۶۲۵'۰۰۰	
قرض سوّم در ۲۲ محرم ۱۳۳۴	۱۲'۱۶۰'۰۰۰'۰۰۰	= ۳'۰۲۰'۰۰۰'۰۰۰	
قرض چهارم در ۲۷ جمادی الأولى ۱۳۳۴	۱۰'۷۱۲'۰۰۰'۰۰۰	= ۲'۶۷۸'۰۰۰'۰۰۰	
قرض پنجم در سوّم صفر ۱۳۳۵	۱۰'۶۵۲'۰۰۰'۰۰۰	= ۲'۶۶۳'۰۰۰'۰۰۰	
قرض ششم در ۲۳ جمادی الآخرة ۱۳۳۵	۱۲'۷۷۰'۰۰۰'۰۰۰	= ۳'۱۹۲'۰۰۰'۰۰۰	
مجموع	۵۹'۸۹۲'۳۰۰'۰۰۰	مارک = ۱۴'۹۷۳'۲۷۵'۰۰۰	تومان

وقتی که این مجموع را که قریب سی هزار کرور تومان میشود بین ملت آلمان قسمت نمائیم بهر نفری قریب ۲۵۰ تومان (۱۰۰۰ مارک) میآید. و آشکار است که ملتی که در راه آب و خاک خود این گونه از خود گذشته باشد حق دارد که مطمئن بفتح و فیروزی باشد و در مقابل یاوه گوئیهای دشمن خود شمشیر خود را نشان دهد و بصدق شعر عنصری رفتار نماید که میگوید:

پادشاهها همه دعویست برهان تیغ او آن نکور باشد آن دعوی که با برهان بود
شاهرخ

جنگ زیر دریائی

اکنون قریب سه ماهست که دولت آلمان اعلان «جنگ بی ملاحظه» زیر دریائی را کرده است و با وجود همه تعرضهای دول بیطرف با کمال جدیت مشغول کار است. و چنانکه از روزنامجات استنباط میشود با وجود آنکه انگلیس ظاهراً محکم ایستاده در باطن بی اندازه ترسناک شده است. همان انگلیسی که با کمال غرور ادعا میکرد که «انگلیس روی امواج حکمرانی میکند» و رقیبی هم نداشت که جوابی باو بدهد امروز از ترس زیر دریائهای آلمان که براسی میتوانند ادعا کنند که «آلمان زیر امواج حکمرانی میکند» بلرزه افتاده است. امروز زیر دریائهای آلمانی که مانند ماهیهای

(۱) Wilhelmshaven بندر جنگی آلمان است در ساحل دریای شمال
(۲) M. Hill
(۳) Fair play

سال ۱۹۱۶ مسیحی (۲۴ صفر ۱۳۳۴ - ۵ ربیع الاول ۱۳۳۵)

دو ماه اول و دوم آن سال	۷۱۴٬۰۰۰	خروار
دو ماه سوم و چهارم	۱٬۲۹۶٬۰۰۰	»
دو ماه پنجم و ششم	۶۵۷٬۰۰۰	»
دو ماه هفتم و هشتم	۸۸۰٬۳۳۷	»
ماه نهم	۷۶۳٬۸۰۰	»
ماه دهم	۱٬۰۳۰٬۰۰۰	»
ماه یازدهم	۱٬۲۲۵٬۰۰۰	»
ماه دوازدهم	۱٬۲۴۶٬۰۰۰	»
مجموع	۷٬۸۱۳٬۶۳۷	خروار

سال ۱۹۱۷ (ابتدا از ربیع الاول ۱۳۳۵)

ماه اول ۲۲۸	عدد کشتی با	۱٬۳۱۸٬۰۰۰	خروار
ماه دوم ۳۶۸	عدد کشتی با	۲٬۳۴۴٬۰۰۰	»
ماه سوم ۴۳۵	عدد کشتی با	۲٬۵۸۳٬۰۰۰	»
مجموع ۱٬۰۲۱	کشتی با	۶٬۲۴۶٬۰۰۰	خروار

از این ۲۲۸ کشتی که در ماه ژانویه غرق شده است ۱۷۰ عدد آنها کشتی دشمن بوده است با ظرفیت ۱٬۰۰۸٬۰۰۰ خروار و ۵۸ عدد دیگر کشتی بیطرف بوده با ظرفیت ۳۱۰٬۰۰۰ خروار. و از ۳۶۸ کشتی تلفات فوریه ۲۹۲ کشتی دشمن بوده با ظرفیت ۱٬۹۳۲٬۰۰۰ خروار و ۷۶ کشتی بیطرف با ظرفیت ۴۱۲٬۰۰۰ خروار.

اگر نتیجه ماه اول امسال مسیحی را هم جزو تلفات سال گذشته حساب کنیم یعنی جزو تلفات آن زمانی که جنگ زیر دریایی در تحت شرایطی بود که زیر دریائها در عملیات خود بکلی آزاد نبودند آنگاه تلفات ۱۳ ماهه به ۹٬۱۳۲٬۱۲۷ خروار میرسد در صورتی که فقط نتیجه دو ماه دوم و سوم امسال مسیحی معادل با ۴٬۹۲۷٬۰۰۰ خروار میباشد. از اینرو دیده میشود که فقط در این دو ماه اخیر (فوریه و مارس) یعنی از زمانی که اعلان جنگ بی ملاحظه زیر دریایی داده شده است زیر دریائهای آلمانی پیش از نصف آن مقداری را غرق کرده اند که در تمام سال گذشته (۱۹۱۶) و بلاوه ماه اول امسال مسیحی (۱۹۱۷) تلف شده است. و این مقدار هم هنوز قطعی نیست زیرا که ابلاغیه بحری آلمان در ۱۳ آوریل ۱۹۱۷ (۲۰ جمادی الآخره ۱۳۳۵) میگوید که تلفات ماه گذشته بیش از آنست که گفته شده ولی برای تعیین مقدار قطعی هنوز اخبار لازم بدست نیامده است.

در این کشمکش زیر دریایی که تنها وسیله برای هم کردن پشت نهنگ مهیب دریا یعنی انگلیس است زیر دریائهای آلمان خسارت بزرگی نرسیده و فقط ۶ زیر دریایی تلف شده که از قرار ابلاغیه آلمان مورخه ۲۰ جمادی الآخره باز جای آنها پر شده است.

از این مختصر دیده میشود که آلمانها با چه جدیت و فعالیت جنگ زیر دریایی را تعقیب کرده و در این مدت چه صدمات فوق العاده بدشمنان خود و مخصوصاً انگلیس وارد آورده و میآورند. هر روز زیر دریائهای آلمان چندین کشتی جدید را غرق میکنند و هر دفعه ضربت تازه بریشت زندگی انگلیس مغرور میزنند. و این فرمانروای دریاها با چشمی پر از حسرت و حالتی اندوهناک ایستاده و بدون آنکه توانسته باشد تا امروز جازه بگوید تماشای عظمت و جلال خود را میکند که متدرجاً بقصر تاریک دریا فرو می رود.

آلمانها

هزار هوا نورد پائین آورده اند

بموجب نگارش «کولتیش تسایتونگ» مورخه یکشنبه ۱۱ فوریه رسماً خبر داده میشود که هوا بیامان و توپهای ضد هوا نورد آلمانی از اول جنگ تا حال بیش از هزار عدد از هوا نوردهای دشمن را پائین آورده اند. درست که حساب کنیم از اول جنگ تا آخر ژانویه ۱۹۱۸ هزار و دو هوا نورد دشمن را خراب کرده اند. این فقط هوا نوردهای انگلیسی و فرانسوی و روسی است که در میدان جنگ غرب و شرق از کار انداخته شده است. هوا نوردهائی که در بالکان و عثمانی خراب شده است جزو این عدد نیست. چون معمولاً هر دسته هوا نوردی ۶ دستگاه هوا نورد دارد این عده ۱۶۷ دسته هوا نورد دشمن میشود و از این قرار قریب ۱۰۷۰۰ نفر هوا پهای دشمن از کار انداخته شده و قریب ۵۰ میلیون مارک اسباب تلف شده است. تفصیل هوا نوردهائی که از اول جنگ تا حال خراب شده است از این قرار است:

در سال ۱۹۱۴/۱۵	۱۶۳	هوا نورد
در سال ۱۹۱۶	۷۸۴	»
در ژانویه سال ۱۹۱۷	۵۰	»
مجموع	۱٬۰۰۲	هوا نورد

اسناد محرمانه

ترجمه تحت اللفظی کاغذیست که سیر والتر تاونلی^(۱) سفير انگلیس در ایران در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۱۵ مطابق ۲۱ جمادی الأولى ۱۳۳۴ به اوکوئر^(۲) قونسول انگلیس در شیراز نوشته است. این کاغذ بطور وضوح رقابت انگلیس و روس را در ایران میسراند و نشان میدهد که این دو دولت در عین دوستی تا چه اندازه با هم همچشمی دارند.

Sir Walter Townley (۱)
O'Connor (۲)

سفارت انگلیس

بیان نامه آقای نظام السلطنه

پهران ۷ آوریل ۱۹۱۰

آقای نظام السلطنه رئیس هیئت ملی و فرمانده کل قوای ملیون ایرانی اخیراً بیان نامه خطاب بملت ایران نشر فرموده اند که خواندنش در دل هر ایرانی تأثیر مخصوصی میبخشد. مابجای شرح و بسط مندرجات آن بهتر چنان دانستیم که عین آرا در روز نامه درج کنیم:

(هو الله تعالی شانه)

جای تردید و انکار نیست که دولتین روس و انگلیس از دیر زمانی باینطرف چشم طمع برآب و خاک مقدس ایران دوخته و در هر عصر و دوره خواستند بوسایل گوناگون زمام امور این کشور را در قبضه اقتدار خود در آورده و همان رفتار بی رحانه را که در هندوستان و بلوچستان و قفقاز و ترکستان نسبت بمسلمانان میکنند با رعایای ستمیده ایران معمول دارند.

مشئ مسالت آمیز و رویت محافظت کارانه دربار ایران که پاس حقوق همجواری را همیشه رعایت میکرد رفته رفته این خیال خام را در مغز روس و انگلیس بخته کرد و بآنها مجال و فرصت داد که کار جرگت و جسارت خود را بالا برده و حرمت تاج و تخت مقدس بندگان اعلیحضرت قوشوکت اقدس همایون سلطان احمد شاه تاجار شاهنشاه جوان بخت معصوم محبوب و یگانه امیدگاه و پشتیبان ملت مظلوم ایران را رعایت نکرده و حرم دولت شهنزار ساله را معرض تاخت و تاز و عرصه قشون کشی و خون ریزی قرار دادند. چنانکه هنوز گرد و غبار شاعت اعمال شقاوت کارانه روس از ساحت قدس و حرم محترم حضرت رضا علیه آلا ف التجه والثناء متصاعد و ناله پیشوایان دین و شهدای راه آزادی از صفحه آذربایجان بلند است.

در موقعی که جنگ عمومی در عالم در گرفت دولت ایران رویت بیطرفی را اختیار کرد و این تصمیم مسالت کارانه خود را همه دنیا اعلام و اخطار نمود و هر روز از طرف فرین الشرف اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء در حفظ حدود بی طرف بکار گذاران دولت و طبقات اهالی مملکت احکام نافه و فرامین مؤکده شرف صدور می یافت. اما این دو دولت که ایران را برای خود یک لقمه گوارائی تصور میکردند اعتنائی باین اعلان و اخطار عمومی نکرده و حدود بیطرفی دولت ایران را وحشانه در هم شکستند و هر یک از طرف تاخته و بر خلاف آن اراده علیه بافتار مملکت ایران قشون کشی کردند و اولیای دولت و عناصر مهمه مملکت را دچار تضییقات فوق الطافه ساختند بطوریکه عرصه قدرت و توانائی بر زعماء ملت و پیشوایان مملکت تنگ گردیده و بالأخره جمعی از قائدین قوم و قوای آزادی خواه بمصدق (ان یکن منکم عشرون صابرون یقبلوا ماتین وان یکن مائة یقبلوا الفین) در مقام مدافعه وطن عزیز و دفاع از امر قدر قدر اعلیحضرت شاهنشاهی در حفظ حدود بیطرفی و وقایه اعراض و نواامیس مسلمانان برآمدند. ولی متأسفانه بواسطه قلت و سایل دفاعیه و فقدان ادوات و مهمات جنگ عمره را بر خود تنگ دیده و مجبور بقب نشینی و جلای وطن شدند. ولی چون در راه استقلال مملکت و حفظ تاج و تخت مقدس بندگان اعلیحضرت قوشوکت ظل الله ارواحنا فداء بود هر زحمت راحت و هر قدم را وسیله نجات و هر نفس را سعادت ابدی دانسته در این مقصود مقدس کوشیدیم تا بفضل الله تعالی بترتیب یک مقدمات اساسی و تأسیسات متین استوار موق گردیدیم و قوای قاهره دولت همجوار اسلامی با بقیه السیف قوای ایران در مقام دفع و تدمیر دشمنان اسلام بر آمدند و منت خدا را که موافق مقصود پیشرفت یافته و جنود دشمن را در هم شکستند. و امیدواری حاصل است که با نصرت و تأیید منتقم حقیقی صفحات مملکت اسلامی از لوٹ وجود این تا بکاران پاک و حوزة مقدسه سلطنت از استیلا و نفوذ دشمنان تخلیس شود.

ای برادران ایرانی حالا که دول قوشوکت دوست حقیقی ما با قوای مادی و معنوی خود در پیشرفت این مقصود بزرگ اسلامی با دولت ایران مساعدت مینمایند و خون جوانان رشید ترک با خون جوانان وطن پرست ایرانی امتزاج یافته و صفحه اتحاد اسلامی را با مداد خونین و قلم آهنین رنگ آمیزی میکنند وقت آنست که همه ایرانیان فرصت را غنیمت شمرده و شرایط جوانمردی و بایبدری را بجای آورند

اوکوز عزیز من! زمان اقامت من در ایران بزودی تمام میشود. تا یک هفته دیگر بطرف وطن حرکت خواهم کرد و این مملکت که مملکت گل نامیده میشود دیگر مرا نخواهد دید. بدون آنکه من خواهشی کنم با نوازش فوق العاده بمن اجازه مرخصی داده شده که بوطن خود مراجعت نمایم زیرا که با کوروستوئیس^(۱) (سفیر روس در ایران) با هم نمی ساختیم. این خانه اقامت خود را در ایران من منتظر بودم. یعنی در واقع در همان زمانی که من بایران آمدم منتظر این واقعه بودم زیرا که یقین داشتم که دوستان ما در ساحل نوا از یک شخصی منتظر بودند که وجودش فقط برای آن نبود که در آنجا نشسته بیند که چطور آنها ارازا کم کم می بلعند. آذربایجان لقمه خوبی بود لکن هنوز برای اشتیهای مسکوی کافی نبود. بعد از آنکه آنها اصفهان را بلعیدند نقشه حاضر شد برای آنکه دست خود را روی فارس انداخته و بهمان ترتیب که اصفهان را زیر نفوذ تام خود آوردند فارس را هم بیاورند. تنها راه از برای منع آنها از این خیال آن بود که جنگ را در آذربایجان آورده و بدین نحو دست آنها را از مرکز و جنوب ایران کوتاه کرد. این اقدام را من قصداً کردم و از آنکه من بعضی از اقتضاحات را آشکار کردم بقطعه حساس آنها برخوردارم. دو چیز را روسها نمی توانستند عفو کنند: یکی نصب صمصام السلطنه بمحکومت اصفهان که بی اساس بودن موقع روسها در اصفهان بجنوبی آشکار میسازد. یک مدتی برای روسها لازم است که موقع خود را در اصفهان مستحکم سازند هر چند که گراهام^(۲) عزیز پیر (قونسول انگلیس در اصفهان) با خطاهای خود بانها کمک خواهد کرد. و دیگر بودن بانک انگلیس در منطقه روس که محلی است برای حل عایدات ایالات بطهران. تا یک مدت مدیدی روسها نمی توانستند از دست وود^(۳) (رئیس بانک شاهنشاهی) خلاص بشوند. جنگ که شروع شد موقعی برای روسها بدست آمد که نشان بدهند که در یک چنین زمان خطرناکی ارتباط سفارتین باید از آن زمانی که من و کوروستوئیس مصدر کار بودیم صمیمی تر بشود. لهذا ما هر دو رفیق. در واقع بعد از شروع جنگ با وجود اتفاقات سابقه دوستی ما با هم خیلی صمیمی و حقیقی بود. در همان وقت که خبر مرخصی من منتشر گشت اذهان ایرانیان و عقیده عمومی ملت ایران بدرستی حس زد که من فدای روس شدم. لکن از آنجائی که بعد از مرخصی دیگر من اعتماد دولت خود را نداشتم نفوذ من کاسته شد. جنگ سبب آن شد که نفرت و کینه عمیق ایرانیان را از هر طبقه نسبت بروس ظاهر ساخت و یک قسمت زیادی هم از این نفرت بجا که امروز متحد روسها هستیم وارد میاید.

امضا: والتر تاونلی

ادیب الممالک

روزنامه‌های اخیر که از ایران رسیده خبر اسفناکی برای ما آوردند. یکی از ارکان مهمه علم و ادب و ستاره‌های درخشان نظم و ثر میرزا سید محمد صادق قائم مقامی ملقب بادیب الممالک فراهانی در ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۵ این جهان پر قیل و قال را بدرود گفت.

ادیب الممالک با اعتقاد اکثری از اهل ذوق در ایران اولین شاعر عهد اخیر بود که بدون استثنا بر کافه معاصرین خود در نظم برتری داشت. مرحوم مشار الیه از اولاد میرزا ابو القاسم قائم مقام معروف وزیر محمد شاه بود و مانند همه افراد این طایفه از اول جوانی بحدت ادب و کمال افتاد. حافظه فوق العاده مشار الیه بقدری شایان حیرت بود که کمتر قصیده عربی و فارسی بود که از حفظ نمی خواند. وسعت اطلاعاتش در ادبیات عربی و فارسی و تاریخ و غیره حد نداشت.

ابتدای شهرت آن مرحوم از وقتی شد که در حدود سنه ۱۳۱۵ بتبریز آمد و با حسنعلی خان گروسی امیر نظام ارتباطی داشت. اشعار و قصاید انشا میکرد و در مجالس رسمی درباری در حضور ولیمهد میخواند و امیری تخصص داشت. و مخصوصاً بواسطه میلش بتمدن جدید و وقوفش بمقتضیات زمان جوانان وطن پرست ایران پیرامون او گرد آمدند.

مشار الیه در سنه ۱۳۱۶ روزنامه با اسم «ادب» در همان شهر تأسیس کرد که رویم رفته ۱۷ شماره از آن منتشر شد. بعضی قصاید خود را نیز در آن جریده نشر میکرد. بعدها روزنامه تعطیل شد و پس از مدتی در سنه ۱۳۱۷ مشار الیه نایب رئیس مدرسه «لقمانیه» شد و روزنامه «ادب» را نیز ثانیاً انتشار داد. ولی طولی نکشید که مجدداً از آن کناره گرفت و متزوی شد. پس از اندکی یکباره تغییر وضع و لباس داده عمامه و عبا پوشید و در سلک سادات و علما در آمد. در این اثنا یک فقره ۱۴ بند اشعار مانند ۱۷ بند محشتم در مرثیه اهل بیت بنظم در آورد و طبع کرد. سپس بمشهد رفت و در آنجا ثانیاً روزنامه «ادب» را در رمضان ۱۳۱۷ نشر کرد و تا ۱۳۲۰ مشغول کار همین روزنامه بود. بعدها بفقار رفت و در آنجا در سنه ۱۳۲۳ در اداره روزنامه «ارشاد» ترکی که در زیر اداره احمد بیک آقایوف در باکو منتشر میشد داخل شده و یک ورق فارسی «ارشاد» روزانه ضمیمه «ارشاد» ترکی مینوشت. بعد از اعلان مشروطیت بطهران رفت و در آنجا در سنه ۱۳۲۴ دیر روزنامه «مجلس» گردید. در سنه ۱۳۲۵ جزو انجمن «عراق عجم» که یکی از انجمنهای ملی دوره اول مشروطیت بود گشته روزنامه با اسم «عراق عجم» نشر کرد. در دوره دوم مشروطیت مشار الیه که علیل و پیر شده بود بود در جزو اداره عدلیه داخل شده و مأمور عدلیه بعضی ولایات شد و تا آخر عمر همین ترتیب زندگانی میکرد.

اشعار و قصاید آن مرحوم بسیار و مابین مردم معروف و منتشر است و مخصوصاً در جراید فارسی متفرقه چاپ شده است و باصلاح

و این اردوی منصور را که جز کوتاه کردن دست دشمنان دین و صیانت استقلال سلطنت و بقای تاج و تخت مقدس شهریار جوان بخت ما قصد دیگر ندارند و محرک و مهیج آنها رضای خدا و پیغمبر و دستور العمل کتاب کریم و فرغان عظیم است و بموجب احکام مقدس نبوی که اتحاد و برادری مسلمین و استخلاص اسلام را از فشار ظالمانه دشمن مقرر فرموده وارد خاک ایران شده و پس از خروج روس و انگلیس با یک قلب مشغوف از ادای وظیفه اسلامی بوطن مألوف خود مراجعت خواهند کرد قدر دانسته و چنین موقع مقتضی را بسهل و رایگان از دست ندهید.

ای بزرگان و پیشوایان ملت وای اعیان و اشراف مملکت رؤسا و سرکردگان عشایر و ایلات که همگی سالها بنعمت این آب و خاک پرورش یافته و در سایه هما پناه همایون ارواحنا فداه بخوشی و استراحت نشو و نما نموده اید امروز روز عیش و راحت نیست (وقت هنر است و سر فرازی است) و آگاه باشید تا روزیکه این چاکر دولت و خادم ملت که آنچه در قوه داشت برای خدمت باین آب و خاک بفعل آورده و باز تا آخرین نفس خواهد کوشید بشرف تلثم و تقییل عبیه علیه همایون تشریف نیافته و نتیجه جان نثاری و فداکاری خود را تسلیم و بار گران وظیفه خود را تقدیم مقام سلطنت عظمی ننموده که دیگر سستی بجز یک سرباز نخواهد داشت هر کس مرعوب روس و انگلیس شده در ازعاج و اخراج دشمن تصور و غفلت ورزد یا بوسایل غیر مستقیم در مقام فتنه و فساد بر آید باید بداند که با جان خود بازی کرده و از همه چیز خود صرف نظر نموده است.

هان ای هموطنان عزیز من با نهایت اطمینان و قوت قلب از خواب نمیدی بر خاسته و با تمام قوای غیرتمندی بکوشید که خداوند و ائمه اطهار علیهم السلام با ماست.

(رئیس هیئت ملی و فرمانده کل قوای ایران)

(نظام السلطنه)

روزنامه‌های تازه شرقی در برلین

روزنامه «کاو» سرمشق خوبی برای دوستان شرقی در برلین بود. اینک دو روزنامه شرقی دیگر نیز در این اواخر در این پایتخت شروع بانشار کرده است. یکی مجله «عالم اسلامی»^(۱) است بزبان آلمانی که جنگی است ماهانه و بسیار ممتاز و قفیس در زیر اداره فاضل و وطن پرست مشهور شیخ عبد العزیز چاویس مصری و عبد الملک حمزه بیک در ۶۴ صحیفه و مصور بانواع تصاویر اعلی. این روزنامه بقصد جلب تعلق خاطر ملت آلمان بشرق و ممالک اسلامی و شناساندن آن ممالک از حیث آداب و معرفت و سیاست و اقتصاد بلل فرنگستان تأسیس شده است. جمعی از معارف نویسندگان آلمانی در آن کمک قلمی میکنند. مجله «عالم اسلامی» ماهانه نشر میشود و شماره اول آن در ۱۹ نوامبر ۱۹۱۶ فرنگی مطابق ۲۲ محرم ۱۳۳۵ عربی منتشر شده است.

روزنامه دیگر مجله ایست ترکی و آلمانی موسوم به «یکی توریکی» بمدریت محمد سعیدی بیک که شماره اول آن در غره فوریه ۱۹۱۷ مطابق ۸ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۵ انتشار یافته است. این مجله هفته یک بار نشر میشود و خود روزنامه در مقدمه که راجع بمسک جریده درج میکند میگوید که برای نشر مدنیت غربی در عثمانی ساعی خواهد بود و بر ضد کهنه پرستی و عقاید قدیمه خلاف تمدن مجاهده خواهد نمود.

ما هر دو همقم محترم خود را تبریک کرده و دوام و کامیابی آنا را خواهیم.

«کاو»

کتاب

«اسناد انگلیسی در باب خفه کردن ایران»

با آنکه فرنگستان بخود مشغول است و جنگ هولناکی که در سر تا سر این قطعه بر پاست فرصتی بیاد آوری مسائل مشرق زمین نمیدهد باز گاهی از گوشه و کنار شعاعی از نور حق میتابد و در میان امواج فتن یادی از مملکت بدبخت و بیگناه مشرقی هم میشود.

آنان که برای استیلای بی‌مانع دنیا جنگ را برافروخته اند و روضه خوانی برای بلژیک و لوکزامبورگ را مانند خون سیاوش دستاویز فتنه و دسیسه خود قرار داده‌اند در همان حین با وجود ادعای حفظ حقوق و اصول ملیت و طرفداری ملل کوچک و ضعیف قدیم‌ترین نمونه‌های ملیت آسیا و اروپا را پایمال میکنند. از یک طرف یونان را در زیر شکنجه و زجر کشتی خفه میکنند و از طرف دیگر جسد بی رمق بلا دیده ایران را مُتله می‌نمایند. کیست در میان آنها که در این گیر و دار آتش و خون و ولوله توپ و تفنگ و دود باروت در میان این همه نفاق و دروغ که آترا خود خواهی مقدس نام نهاده‌اند جرأت ندای حق و عدالت برای شهدای مظلوم خود آنان بکند.

پیش از جنگ چند نفر انگلیسی و امریکائی گاهی از ظلمهای وارده بر ایران شکایت کردند و یک فاضل انگلیسی و یک مأمور امریکائی هر یک کتابی در دنیا منتشر کردند. لکن پس از اعلان جنگ وظیفه با روی حق گذاشتن که پیشوایان انگلیس بنام وطن پرستی افراد ملت خود را بان دعوت کردند و با قدرت نظارت انطباعات انگلیس و متحدینش باعث آن شد که در آن ممالک صدائی جز تقدیس و تحسین قزاقهای مسکوی شنیده نگشت.

اینک یک صدای حقانیت و ندای عدالت تاره از برلین مرکز آن مملکتی که مستعمرات کتندگان دو ثلث دینا آنرا بجهانگیری و تجاوز بملل کوچک متهم میکنند برخاسته. این صدا بشکل رساله ایست که اوضاع چند ساله اخیر ایران را بزبان حق گوئی شرح داده و هر سخن خود را با اسناد و دلایل کتبی و زرا و رجال مسئول مخالفین خود و دشمنان ایران اثبات نموده. علاوه بر اقتباسات زیاد از کتابهای آبی وزارت امور خارجه انگلیس در باب ایران مزیت فوق العاده این رساله آنست که قسمت زیادی از اسناد مهم و محرمانه انگلیسی را که در کار پردازش انگلیس در شیراز بدست آلمانها افتاده است عیناً نشر کرده و عکس آنها را نیز چاپ نموده است. اسناد مزبور غالباً مراسلاتیست که مابین وزیر مختار انگلیس در طهران سیر تونلی (۱) با کار پرداز آن دولت در شیراز اوکونور (۲) رد و بدل شده است. ما در صفحه دیگر یک فقره از آن اسناد را نشر کرده ایم. و چون عقرب ترجمه فارسی خود رساله هم طبع و نشر میشود بیش از این تفصیل در باب آن لازم ندانسته و طالبین را بطالعته اصل خود رساله که گرانها و بی نظیر است حواله میدهیم.

O'Connor (۲) Sir Townley (۱)

ادبای قدیم هم مُکتر بود و هم مُجید. قصیده بسیار غزای او که در مدح مجلس شورای ملی سروده و در شماره دوم روزنامه «مجلس» نشر شده بسیار دلکش و شبیه بمنظومات متقدمین است. مطلع آن اینست:

شاد باش ای مجلس ملی که بستم عقرب
از تو آید درد ملت را درین دوران طیب
تا آنجا که گوید

تا تو بر پائی درین کشور نرنجد آشنا

تا تو بر جائی درین سامان نفرساید غریب
و باین ایات ختم میکند

مجلس ملی ز یاد شاعران برد آنچه بود

از حماسه و ز تهنائی و ز مدح و از نسب
این زمان طرح سخن زین سان سزد نه آنکه گفت

احمد اندر مدح کافور و حسن بهر خصیب

و از همه معروف تر قصیده حماسه وطنیه او بود که در مجالس و مناظر و مدارس خوانده میشد و مطلع آن اینست:

برخیز شتربانا بر بند کجاوه کز چرخ عیان گشت کنون رایت کاوه
مشار ایله مرحوم در اغلبی از رشتههای عصری داخل و سیر

کرده بود. جزو محفل «فراماسوزی» یا فراموشخانه نیز بود و منظومه بسیار خوبی در صد بیت در اصول و تاریخ «فراماسوزی» انشا کرده بود.

ایران جدید باید بگلهای ادب که در جن سعدی و ختیم هر روز میروید و دلیل متقی بر بایر و عقیم نشدن این خاک و نوردن روح ملی ایران است افتخار کرده این ترجمانهای احساسات ملی را که همانطور که سعدی در مقابل دهشت استیلای معول بناله:

آسمان را حق بود گر خون بیارد بر زمین

در زوال ملک مستعصم امیر المؤمنین

میخروشد، و انوری در استیلای غز

بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر

نالۀ اهل خراسان بر خاقان بر

میسرود، و خواجه حافظ در استیلای تیمور

قنان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب

چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغمارا

ز مزمه میکرد، اینان نیز در هولناکترین بحرهای تاریخ ایران و استیلای ظلم و ظلمت قزاق روسی برانه:

چون بره بیچاره بچو پائش نیوست

از نیم بصحرا در نه خفت و نه بنشست

خرسی بشکار آمد و بازوش فرو بست

شد بره ما طعمه آن خرس ز بر دست

افسوس بر آن بره نوزاده سرمست

فریاد از آن خرس کهن سال شکم خوار

میآیند قدر بداند و فراموش نکند. خدا اورا غریق رحمت گرداند.